



معیار تفسیر متون مقدس را کجا باید جستجو کرد؟/ قرآن، مفسر خویش است

حسن بلخاری در مراسم بزرگداشت مرحوم علامه طباطبایی گفت: مهمتر از عنصر عقل و یا حتی شهود، راهگشایی خود متن است و این همان تفسیر قرآن به قرآن است که سنت مرحوم علامه طباطبایی بود.

حسن بلخاری در مراسم بزرگداشت مرحوم علامه طباطبایی گفت: مهمتر از عنصر عقل و یا حتی شهود، راهگشایی خود متن است و این همان تفسیر قرآن به قرآن است که سنت مرحوم علامه طباطبایی بود. به گزارش خبرنگار مهر، مراسم بزرگداشت مرحوم علامه سیدمحمدحسین طباطبایی(ره) با حضور علما، استادان، فرهیختگان و دستداران علم و دانش و شخصیت های علمی و فرهنگی عصر دوشنبه ۱۳ آذر در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار شد.

معیار تفسیر متون مقدس را کجا باید جستجو کرد؟

حسن بلخاری در سخنانی با عنوان تفسیر متعالیه اظهار کرد: آیا متن مقدس نیازمند تفسیر است و اگر بود ماهیت این تفسیر و مهمتر، معیار آن چیست؟ معیار توسط متن مقدس تعیین می شود یا باید از بیرون متن، آن را جستجو کرد؟ با این فرض که متون مقدس بیشتر قابلیت تأویل دارند تفسیر با این حال تفسیر چیست و به چه معناست؟ سئوالات فوق مهمترین سئوالاتی هستند که در فلسفه تفسیر متون مقدس با آنها مواجهیم. این سئوالات و مهمتر کنکاش و تلاش در پاسخ به آنها می تواند تا حدود زیادی حقیقت و ماهیت این متون را برای ما کشف و مفتوح سازد. این سطح نه تنها بابتی در جهت درک و دریافت متن مقدس بلکه آشنایی با مبانی و روش های ورود به این درک و دریافت نیز هست. رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در ادامه با بیان اینکه ذات متن مقدس و به ویژه غایت آن فی حد ذات نافی و ناقض تفسیرند چگونه می توانند خود، امکان تفسیر خویش را فراهم سازند و حتی قرائت ها و تفسیرهای مختلف را بر جان پذیرا باشند، تصریح کرد: بر این سئوال ها ضرورت پاسداری و نگهبانی از متن را نیز بیافزاییم تا در ورطه برداشت های گوناگون و تفسیرهای نابجا غلطد و حقیقتش قلب نگردد و یا به تعبیر قرآن معنا از موضع حقیقی خود خارج نشود. وی تأکید کرد: مجموعه سئوالات فوق، تفسیر را به یکی از مهمترین و البته چالش برانگیزترین عرصه های دین و اندیشه دینی تبدیل می کند. از یک سو امری به غایت معنا ضروری و واجب که امکان گسترده با حقیقت را برای هدایت پیروان فراهم می کند و از سوی دیگر امری به شدت سیال و معیارگریز که تفسیر را به امری کاملاً شخصی، ذوقی و حتی گاه به نقطه نظر مقابل دین بدل می کند.

بلخاری در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به سرگذشت هرمس در اساطیر یونانی اظهار کرد: از جمله کنش ها و وظایف هرمس که مبنای علم تأویل و هرمنوتیک در اندیشه یونانی است همان شرح و بیان پیام هایی است که برای بشر می آورد. گاه اغراض و اهداف پیام ها چندان مشخص نیست یا به عبارتی دارای لایه های مختلف و متعدد است. مردمان این لایه ها در بطن پیام ها می پرسند و هرمس، پیام ها را می شکافد، شرح می دهد، تفصیل می بخشد تا گوهر و جوهر آنها ظاهر و آشکار گردد. این یعنی در قاموس یونانی، مرجع ارسال پیام و مفسر پیام یکی است. هرمس هم ایزد است، هم پیام آور. هم پیام رسان است و هم مفسر پیام. در این صورت امر زائدی برون از متن مقدس به عنوان تفسیر بر متن مقدس حمل نمی شود و این چنین متن سالم می ماند.

قاعده ای که مرز میان شریعت و عقلانیت را می بردارد

رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در بخش دیگری از سخنان خود با بیان اینکه در قرآن نقل و عقل یا متن مقدس و عقل در عرض هم قرار گرفته و صلاحیت جانشینی هم را به صورت صریح می یابند، اظهار کرد: شاید قاعده ملازمه عقل و شرع در شیعه از همین آیه (اگر به سخنان انبیا گوش سپرده بودیم یا تعقل کرده بودیم از دوزخیان نبودیم. سوره ملک) نشأت گرفته باشد. قاعده ای که مرز میان شریعت و عقلانیت را می بردارد.

قرآن، مفسر خویش است

وی افزود: بدون تردید شهود در این مرتبه راهگشاست اما مهمتر از عنصر عقل و یا حتی شهود، راهگشایی های خود عقل است که حقیقتاً خود عقل است. همچون قاعده هرمس که ایزد، خود مفسر بود. اینجا نیز قرآن خود، مفسر خویش است و این همان تفسیر قرآن به قرآن است که سنت مرحوم علامه طباطبایی بود. در این طریقه و روش، متن خود باز می نمایاند که محکوماتش چیست و متشابهاتش کدام است. بررسی تطبیقی و تحلیلی فضاها، نشانه ها، و اصطلاحات میدانهای معنایی در قرآن باز می نماید. آیه ای که دارای قبض است، اگر در میدان معنایی خویش قرار گیرد چگونه هویت خود را بازنمایانده و بسط می یابد. این معنا مهمترین ویژگی تفسیری مرحوم علامه طباطبایی است.

بلخاری با بیان اینکه مرحوم طباطبایی در حکمت همان مسیری را پیمود که ملاصدرای شیرازی طی طریق نمود، تصریح کرد: رد پای عمیق اندیشه های فلسفه مشایی، فلسفه اشراقی و حکمت عرفانی کسانی چون مولانا در آثار مرحوم علامه مبین و بیانگر آن است که از این دریای بیکران بهره های بسیار برده بود اما چرا سعی عظیم خود را در نگارش مکرر آناری چون اسفار و شواهد و عرشیه نگذاشت و جای آن سعی کرد قرآن را تفسیر کند و شرح دهد.

رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در پایان گفت: علامه به نیکی می دانست سرمایه گرانقدری که صدراى شیرازی از خود بر جای نهاده بود چنان در شرح و بیان قواعد فلسفی و حکمی کامل است که نهایتاً می توان آن را شرح داد اما نمی توان بر آن چیزی است یا از آن چیزی کاست. کاری که بزرگانی که چون «ملاهادی سبزواری»؛ آن را به انجام رسانده بودند. مرحوم علامه، صدراىی است که المیزان اش، اسفار اربعه اوست، کما اینکه اسفار اربعه صدرا، تفسیر او بر گوهر و جوهر قرآن بود اما در قالب و لسان حکمت و فلسفه. خداوند هر دو را در اعلی درجات جنت از فیوضات خود بهره مند گرداند.